اگر اول گوهری که سر از صدف خاک برآورده باشد انا اول من تنشق عنه الارض اگر روز قیامت لوای حمد بدست وی
و آدم که ابو البشر است با سایر انبیا در زیر لوای کرامت وی باشد آدم و من دونه تحت لوائی آدم و من دونه تحت
لوا آمده چون تو لوا افراخته اگر امام پیغمبران و خطیب ایشان روز قیامت وی خواهد بود کنت امام
النبیین و خطیبهم اگر اول کسی که بمشاهده جمال وی در بهشت گشاید او بود و نحن اول من یدخل الجنة اگر رایت
شفاعت کبری بکف کفایت او باز داده اند و اعطیت الشفاعة ای عزیز اگر نه هم امید شفاعت تدارک پرسش
دلهای گنه کاران کردی پیداست که حال خستگان بیمارستان جرم و عصیان بکجا کشیدی همه را از کرم شفیع
توی اصل جمعیت جمیع توی گرچه اندک بضاعتی داریم از تو چشم شفاعتی داریم بمقتضای عقل در باب فضیلت آن
گفت بسیار و بیشمار است و از الجمله آنچه مقتضای وقت باشد لوح بیان از رقم پذیر بسیار زد بدانکه فضل یکی از انبیا
بر دیگری یا بحسب جامعیت یا بکثرة امة یا بکمال معرفة یا بوفور ذکر و شهرت یا به بسیاری معجزه یا باستحکام احکام شریعت
و پیغمبر ص در این ابواب از همه کامل تر بوده و در میدان امتحان از همه ایشان قصب السبق ربوده اولا جامعیت بر علما
روشن شده که هر چه مجموع پیغمبران داشته اند از حضرت خواجه ما صلوات الله علیه جامع آن بوده و دلیل بر این حقیقه
مذکور شد بر ایشان تعرف نموده و تفسیر کبیر آورده که آنچه حق سبحانه حضرت مصطفی ص فرموده که فبهدیهم اقتده یعنی بانبیا
اقتدا کن و احوال ایشان را پیش روی نما اشارتست باینکه بر صفا و سیرت هر یک مطلع شده اجود و احسن آن را
اختیار فرماید زیرا که اقتدا پیغمبر با ایشان در اصول دین نشاید چو دران تقلید روا نیست و در فروع نیز نباشد چه شریعت
او ناسخ شریعه ایشانست پس مراد محاسن اخلاق و مکارم اوصاف خواهد بود و آن صفات ستوده سابقا
در خلال پسندیده علیهم چه با همه ایشان متفرق بوده نزد او بتمامی مجتمع است پس از همه افضل و اکمل باشد هر چه خوبان
جهان داده اند قسم تو نیکو تر از آن داده اند و ز دگر با حقیقه نبوت پیوسته که اصل و منشا و معاد جملة خلایق
حضرت حقیقة الحقایق است یعنی حقیقه محمدی و نور احمدی جامع جمله کمالات الهی و کیانی و واضع میزان مراتب افعال
ملکی و حیوانی و انسانی آنحضرت است عالم و عالمیان صور و اجزای تفصیل او و آدمیان ظاهر برای ظهور مرتبه تکمیلی
او و سر آدم و من دونه تحت لوائی اشارة بدین معنی است آنچه اول شد پدید از جیب غیب بود نور جان او بی ریب
بعد از آن آن نور مطلق زد علم گشت عرش و کرسی لوح و قلم یک علم از نور پاکش عالم است یک علم
ذریت و آدم است نور او چون اصل موجودات بود ذات او چون معطی هر ذات بود واجب آمد در
هر دو جهان نشانش دعوة ذات پیدا و نهانش و از این ابیات خجسته سمات خصوصا بتبیین آنکه نهایة جمعیة
و غایة جامعیة معلوم و مفهوم ارباب علوم و فهوم است کثرت امت این نیز ظاهر است که هیچیک از انبیا را امت
از همه بیشتر باشد و کثرت ثواب موجب زیادتی فضیلت و رمز انا اکثر الناس تبعا یوم القیمة ایما بدین

محمد حکیم ترمذی گوید استعداد امارت هر امیری بقدر رعیت اوست کسی را که قریه در زیر فرمان باشد اسباب اقتدار
و نفاذ او خواهد بود و اگر شهری را حاکم و فرمان فرمای بود اساس حکومت لایق آن شهر خواهد داشت و همچنین سلطان اقلیمی
دولت سلطنت اوست کسی که قریه در زیر فرمان باشد از مال و جاه موافق حال و خیال توان نیست و اگر همه اقالیم در تصرف
او بود هر آینه خیل و حشم و طبل و علم و جنود و عساکر و نقود و جواهر و دفاین و خزاین فراخور عظمت او تصور توان کرد پس پیغمبری
بطایفه مبعوث شد نه از کنوز توحید و جواهر معرفة لایق حال قوم او بوده و کسی که مرسلست بهمه اهل شرق و غرب
بلکه بمجموع انس و جن هر آینه از گنجهای حقایق و خزاین معانی و نور فیض کامل و فضل شامل چندان بدو عطا کرده اند
که مناسب قدر وی باشد و همه رعیت و ملازمان عتبه خدمت او بوده اند پس نسبت پیغمبر ما صلوات الله علیه با سایر
انبیا علیهم السلم چون نسبت سلطان تمام ممالکست با حاکم یک شهر یا پادشاه یک مملکت همه انبیا و رعایا
تو اند تو شاهی و ایشان سپاه تو اند تو مهر منیری همه اختر اند تو سلطان ملکی همه لشکر اند و باز چون
امت او خیر الامم است باید که او افضل انبیا باشد چو فضیلت خیریة این امة بواسطه متابعت آنحضرتست و فضیلة تابع موجب
فضیلة متبوع بوده و از همین بابست اگر جمعی از این امت با بعضی انبیا در سلک مشابهت انتظام یافته اند علما امتی
کانبیاء بنی اسرائیل و آن نیز که حضرت رسالت صلوات الله علیه فرموده که دوازده پیغمبر آرزوی آن بردند که از امت من باشند
مؤید این قولست کمال معرفت بدانکه حقیقت این صوره بر دیده عارفان جلوه گرست که بحکم المعرفة راس مالی
سرمایه شناخت الهی در خزانه اوست و هر کرا از اولین و آخرین زاویه دل به پرتو چراغ حرفه ربانی روشن بود و خواهد بود
اقتباس نور از لوامع برکات آن شمع شبستان انا اعلمکم بالله نموده و خواهد نمود هر که در این شیوه براد دریا
مایه ز فیض کرمت گرد و ام هر که بداغ طلبی سوخته است گرم روی از تو در آموخته است پایه عرفان ز تو شد سر بلند
حالت عارف بتو شد دلپسند مایده معرفت از خوان تست آیه این مرتبه در شان تست داد نقیت که هر اهد
کعبه دار القرب حقیقه بنکهت آراسته هیئت متاع بازار الجاه و سرمایه سودائیان حلق فنا داست و حضرت خواجه
آفاق کام و مظهر آیات و مجمع کرامات سلسله شریفه ایشانست چو فتوا از قبای شاهی آمد بتدبیر عبید الله
گسلی و چون بلوح ارجمند ان نقش بدیع نقش بیغ ان در بعضی از رسایل فرموده اند که اتفاقست مجموع محققان را
که معرفت حاصل نمیشود بی متابعه پیغمبر ص و متابعت او موقوفست بر دانستن آنچه که متابعت در آن میباید کرد و پس معلوم گردد
بی حاصلی از عمل قولست و فعلی و حالی قول او تعلق بزبان دارد و فعل او تعلق بظاهر او و حال او تعلق بباطن او
این کلمات از تفسیر آیة ان کنتم تحبون الله مذکور خواهد شد و جای دیگر فرموده که این مقام مقام تجلی ذات
عبارت از مقام تجلیست و اسلم منیت بی اتباع بر کمال مر حضرت رسول الله را در مقامات فنا و بقا چنانکه نیل مقامات
پیشین نیز میسر منیست بی متابعت او صلی الله علیه غرض آنکه هر که او طلب از بادیه عرفان طرفی روی نمینماید

Copyright © King Saud University